

خرده فرهنگ دهقانی و ترویج کشاورزی

قسمت اول

• اشاره

خرده فرهنگ دهقانی و ترویج کشاورزی" عنوان پروژه ششم از طرح یک، از مجموعه گزارشهای مطالعاتی ستاد طرح تدوین نظام ترویج کشاورزی ایران می‌باشد که به بررسی خصوصیات و ویژگیهای فرهنگی جوامع روستایی کشور پرداخته است. مسئولیت تهیه و تدوین این پروژه مطالعاتی - که در سال ۱۳۷۲ به رشته تحریر درآمد- با آقای دکتر جلال الدین رفیع فر بوده است. ضمناً مقاله حاضر که تلخیصی از گزارش نهایی پروژه فوق الذکر می‌باشد، توسط آقای مهندس محمدهادی امیرانی نگاشته شده است.

مقدمه

ساختار فرهنگی هر کشور عاملی مؤثر و بارز در پیشرفت یا عقب ماندگی آن محسوب می‌شود، زیرا که فرهنگ هر قوم و ملتی "هم‌بافته" و "هم‌تافته" باورها، فضایل و ارزشها، هنرها، آداب و فنون و اعمال جامعه و همچنین مشخص کننده ساخت و تحول کیفی زندگی آن ملت است. در این راستا، سیاست فرهنگی هر کشور عاملی اساسی در توسعه اجتماعی و اقتصادی آن به شمار می‌رود و چون پوششی در جهت تأکید بر شخصیت اصلی آن ملت نگریسته می‌شود، چنانکه از آن طریق، یک ملت می‌تواند با فرهنگی بارور، شکوفا و سالم وضعیت خود را در جهان و در برابر سایر ملتها بدرستی مشخص نماید.

امروز که شعار بازسازی و خودبستگی در سروه کلیه برنامه‌های اقتصادی قرار دارد، باید دانست که این سیاست در وهله اول، یک سیاست فرهنگی است که لازمه آن، فعالیت همه‌جانبه فرهنگی چه از جانب دولت و چه از جانب پژوهشگران، دانشمندان و صاحب نظران می‌باشد.

غنی نمودن گنجینه اسناد و مدارک قومی و تاریخی که فرهنگ این ملت را تشکیل می‌دهد و توسعه تحقیقات و گسترش مراکز فرهنگی در

کشور و همچنین، توسعه تحقیق و مطالعه در مسائل علوم اجتماعی و انسانی، برنامه‌ریزان و مسئولان و دست‌اندرکاران مسائل فرهنگی کشور را در تصمیم‌گیریها و برنامه‌ریزیهای آتی یاری می‌بخشد.

از سوی دیگر و در همین راستا، تدوین بینش "ترویج کشاورزی" و یا آموزشهای آزاد داوطلبانه باید بر اساس فرهنگ یک جامعه بوده و آرمان آن نیز با تکیه بر سیاستهای توسعه همان اجتماع از دیدگاهها و زوایای مختلف شکل پذیرد.

جوامع بسیاری هستند که به دلیل از خودبیگانگیها، تابع بی‌قید و شرط بینشها و آرمانهای وارداتی شده و در نتیجه نتوانسته‌اند حتی با گذشت چند دهه تحولی در کارکرد کشاورزی خود بوجود آورند. عمده مشکلات این جوامع در ارتباط با ترویج کشاورزی از مجرای عدم تطبیق نظام ترویج آنان با معیارها و ارزشهای پذیرفته شده و فعال جامعه پدید آمده که هر یک راه خود را به دور از نظر دیگری، چنان رفته‌اند که ناخواسته بیگانگی با تمدن تولیدات کشاورزی را به جامعه القاء کرده‌اند. در واقع، اگر این موضوع نیت آنان هم نبوده باشد، دست کم نتیجه بی‌توجهی آنان به یکدیگر است. در چنین

مواردی بویژه در شرایطی که کمکهای کارشناسی موطن اولیه نظام ترویج به دلایلی ادامه نمی‌یابد؛ یا بیش از گذشته استمرار ندارد؛ یا باید به واردات محصولات کشاورزی از بهره‌وران تکنولوژی ترویج شده در کشاورزی و مصرف‌کنندگان تکنولوژی نوین تولید، پرداخت و یا اینکه با همتی جدی و عزمی راسخ بر شناخت معیارهای داخلی همت نمود و نظامی نوین و انعطاف‌پذیر تدوین کرد که برای کشاورزان قابل اجرا باشد تا هرچه بیشتر و سریعتر با نوآوریهای فنی تولیدات کشاورزی آشنا شوند و با عمل کردن به آن، فاصله خود را با تحولات توسعه اقتصادی و اجتماعی لحظه به لحظه کاهش دهند.

در شرایطی که کشاورزی ایران به دلایل مختلف از جمله افزایش سریع جمعیت، محدودیت امکانات تولید، کاهش جمعیت مشاغل در بخش مولدین اصلی تولیدات کشاورزی، رقابت بخش خدمات کشاورزی برای توسعه و ناکافی بودن امکانات رفاهی روستایی و بسیاری از عوامل اصلی و فرعی دیگر با مشکلات جدی مواجه شده است و از طرفی، بدون هیچ تردید باید تولیدات کشاورزی در داخل کشور به سرعت افزایش یابد، راهی به غیر از تدارک فنون

جدید (تولید تکنولوژی) و ترویج آن (اشاعه تکنولوژی) با نظامی آشنا و عجیب و هماهنگ با فرهنگ جامعه در پیش نیست، چون گذشت زمان و تغییر شرایط و خواستگاهها و الگوهای تولید و مصرف همگی از مدتها پیش تحولی طبیعی و جدی را در نظام و ساخت ترویج کشاورزی می طلبد که متاسفانه به دلیل کم ارزش نشان دادن کار کشاورزی، این تحول یا ضروری بنظر نیامده و یا اینکه اگر هم توجهی به آن شده، بنیادی و همه جانبه نبوده است و به روشنی مشخص است که تناسبی با توقعات جامعه در شرایط حال و آینده کشور ندارد. به همین منظور با حفظ اصالت و بنیادهای تجربی ترویج کشاورزی، تدوین سیستمی تطبیقی در آن به هیچ روی قابل تردید نیست و در تجدید نظری اصولی و بازنگری کلی، باید طرحی نو برای آن تدوین کرد و سپس، طرح مزبور را آزمایش و فرصت تجدیدنظر و پویایی مستمر را برای آن همواره فراهم کرد.

تعاریف واژه‌های تحقیق

۱- وجه نظر^۱

در فرهنگ علوم اجتماعی این واژه را «طرز تلقی یا آمادگی روانی» ترجمه کرده‌اند. از نظر می‌نارد^۲ آمادگی روانی، عبارت از آمادگی درونی و یا بطور کلی آمادگی برای انجام عمل به شیوه‌ای خاص است.

به نظر آپورت^۳ آمادگی روانی، یک آمادگی ذهنی و عصبی است که با تجربه سازمان می‌یابد و بر واکنشهای فرد در برابر تمامی اشیاء و تمامی شرایط و اوضاعی که بدان مرتبط می‌شوند، تأثیری هدایت‌بخش و پویا برجای می‌گذارد.

۲- گرایش

واکنش عاطفی، اعتقادی و تمایل رفتاری نسبت به یک محرک اجتماعی خاص است.

۳- ارزشهای اجتماعی

واژه «ارزش» در واقع یکی از واژه‌هایی است که دارای غنی‌ترین، پیچیده‌ترین و مشکلترین معانی است. ولی به طور اجمال،

می‌توان چنین بیان نمود: هر چیزی که به اعتبار اقتصادی، روانی، اجتماعی و ... مورد توجه قرار می‌گیرد یا هدفی که دست یافتن به آن مطلوب است، «ارزش» نامیده می‌شود. در واقع ارزش، میزان توانایی یک چیز، در ارضای یک میل، یک نیاز و یک تمنای انسان است. پس اساس ارزش را باید در اندیشه‌های انسانی جستجو کرد که نفع (ارزش) یک شی خارجی را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. ارزشها انواع مختلفی دارند که مهمترین آنها عبارت‌اند از: ارزشهای اقتصادی، حقوقی، اخلاقی، سیاسی، فرهنگی، مذهبی و ...

۴- انگیزه^۴

یک انگیزه، محرکی است که ماهیت ذهنی دارد و در عین حال، از احساسات، سائقه‌ها و تمایلاتی تشکیل شده که از قبل در خلق و خوی فرد وجود داشته است. انگیزه‌ها عبارت‌اند از نیازها و علایق که در مورد انواع خاصی از فعالیتها، نمایانگر عدم تعادل یا عدم رضایت نسبت به برخی از اهداف می‌باشد.

۵- انگیزش^۵

عبارت است از تحرک، کنترل و راهنمایی فعالیت فرد به سوی یک هدف معین. همچنین به معنای فن بکاربردن عوامل گوناگونی است که رغبت فردی را به سمت فعالیتی معین برانگیزد.

۶- انگیزه پیشرفت^۶

عبارت است از میل دستیابی به برتری و کمال فردی در انسان که یک ارزش اجتماعی محسوب می‌شود.

۷- نوآوری^۷

عبارت است از عمل نوجویی، دگرگون ساختن و کار تازه کردن.

شومپتر^۸، نوآوری را به منزله «استقرار کارکردهای نو» در تولید می‌داند و عقیده دارد که فرایند پویای نوآوری، تمایل به نوجویی است که خود به سلسله عوامل زیر وابسته است:

الف) روحیه خلق، روحیه اختراع و تحول
ب) عوامل فنی و مالی: گسترش پژوهشهای علمی

و کاربردی و میزان سرمایه‌گذاری

ج) عوامل اقتصادی و سیاسی: زمینه کلی اقتصاد ملی و فضای سیاسی جامعه

۸- هنجار^۹

کلمه Norm در لاتین به معنی «گونیا» است که از آن مفهوم قانون، قاعده یا مثالی برمی‌آید که بدان رجوع می‌شود. «لاند» با دیدگاه فلسفی، هنجار را چنین تعریف می‌کند: «نوع ملموس و یا فرمول مجرد آنچه که باید باشد (در هر زمینه که قضاوت ارزشی در آن راه یابد)» بنابراین، هنجار می‌تواند با معانی مختلفی از قبیل قاعده، آرمان، هدف و مدل (برحسب موارد مختلف) به کار رود.

۹- تقدیرگرایی^{۱۰}

عقیده‌ای است که تمام رویدادها و اتفاقات را غیرقابل برگشت و تعیین شده از قبل می‌داند که بوسیله یک نیروی واحد و فراطبیعی انجام می‌گیرد.

۱۰- خواستهای اجتماعی

دستیابی به جایگاه مطلوب شغلی، پایگاه اجتماعی، تحصیلات و سطح زندگی بالاتر در آینده از خواستهای اجتماعی هر انسان می‌باشد.

۱۱- شرایط زندگی^{۱۱}

به مجموع عوامل اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، جغرافیایی، اقلیمی و فرهنگی اطلاق می‌شود که مشخص‌کننده ویژگیهای حیات گروهی از انسانها بر روی زمین است.

۱۲- سطح زندگی^{۱۲}

سطح زندگی یک فرد عبارتست از میزان برآورده شدن واقعی نیازهای اساسی از قبیل مواد غذایی، پوشاک، درمان و بهداشت، آموزش و پرورش و ... در طول یک دوره خاص.

۱۳- استاندارد زندگی

این واژه یک نوع آرزو و خواست است. در حالی که، واژه «سطح زندگی» بیانگر واقعیت موجود است. اگر شکاف میان «خواسته‌های

استاندارد» و «نیازهای سطح زندگی» عمیق شود، به فقر و درماندگی و در نهایت انقلاب و نابسامانی اجتماعی منجر می‌شود.

۱۴ - خانواده‌گرایی

خانواده‌گرایی عبارت از وابستگی اهداف فردی به اهداف خانوادگی است. خانواده‌گرایی یکی از عناصر خرده فرهنگ دهقانی است و بیانگر اهمیتی که دهقانان برای خانواده بعنوان یک گروه مرجع قایل هستند. خانواده‌گرایی یکی از عناصر نیرومند فرهنگی است که هم به عنوان سدی در مقابل دگرگونی و هم به عنوان قربانی آن عمل می‌کند.

۱۵ - همدلی^{۱۳}

«لونز» همدلی را «به میزان توانایی فرد در تصور خویش در نقش دیگران» تعریف کرده است. او همدلی را عنصر مرکزی در نوسازی جامعه دهقانی می‌داند که به منزله میانجی و تسهیل‌کننده سایر متغیرهای نوسازی عمل می‌کند.

۱۶ - محلی‌گرایی^{۱۴}

محلی‌گرایی به میزان گرایش فرد به درون نظام اجتماعی خود نسبت به خارج از آن اطلاق می‌شود. «جهان وطنی» نقطه مقابل محلی‌گرایی است. دو عامل عمده برای مقابله با پدیده محلی‌گرایی در جامعه دهقانی وجود دارد که عبارت‌اند از تحرک جغرافیایی و استفاده از وسایل ارتباط جمعی.

۱۷ - بیگانگی اجتماعی

این واژه دارای معانی متعددی است. «ملوین سیمن» از نقطه نظر روانشناسی اجتماعی، پنج معنی برای بیگانگی اجتماعی آورده است که عبارت انداز: ناتوانی، یوچی، بی‌معناری، انزوا و از خود بیگانگی.

در این تحقیق و بررسیهایی که در زمینه بیگانگی اجتماعی در برخی از روستاها به عمل آمده است، دو معنی «احساس ناتوانی» و «انزوا» (جدایی اجتماعی) مورد نظر بوده است.

خرده فرهنگ دهقانی

تعاریف و مفاهیم

قبل از آنکه به تعریف خرده فرهنگ پرداخته شود، لازم است که نگاهی اجمالی به تعاریف و مفاهیم واژه «فرهنگ» انداخته شود.

واژه فرهنگ از رایجترین واژه‌های مورد استفاده انسان‌شناسان است که می‌توان بیش از ۳۰۰ تعریف برای آن ذکر نمود. یکی از جامعترین و قدیمی‌ترین تعاریف ارائه شده برای این واژه، تعریفی است که «ادوارد ب. تایلور»^{۱۵} در سال ۱۸۷۱ میلادی ارائه نموده که عبارت است از «فرهنگ مجموعه پیچیده‌ای از معارف، هنرها، اعتقادات، اخلاق، قوانین، تکنیکها، سنن، صنایع و بالاخره تمام عادات، رفتار و ضوابطی است که انسان به عنوان عضو یک جامعه آن را از جامعه خود فرا می‌گیرد و در قبال آن جامعه، تعهداتی بهعهده دارد. (۹، ۱۷-۱۸)

همچنین، «رابرت ردفیلد»^{۱۶} فرهنگ را بصورت زیر تعریف می‌کند: «فرهنگ عبارت است از قراردادهای قابل تفهیم که به صورت کردار و آثار آشکار می‌شود و موجب ویژگی اجتماعات می‌گردد».

حال پس از ذکر این تعاریف، واژه «خرده فرهنگ» را تعریف می‌کنیم:

در یک تعریف صریح و کوتاه، می‌توان این گونه بیان نمود که، تفاوتها و ویژگیهای خاص داخلی هر فرهنگ را «خرده فرهنگ»^{۱۷} می‌نامند. خرده فرهنگ به منزله جوانه‌ها و شاخ و برگهای تنه اصلی فرهنگ جامعه محسوب می‌شود.

علی اکبر شعاری‌نژاد، خرده فرهنگ را چنین تعریف کرده است: «خرده فرهنگ Sub Culture» گروه کوچکی از یک فرهنگ است که آداب و رسوم جداگانه‌ای داشته ولی در بعضی از آداب و رسوم و مراسم اساسی فرهنگ عمومی شرکت می‌کند»^{۱۸}.

به نظر مصطفی ازکیا، خرده فرهنگ شامل بسیاری از عناصر فرهنگ کلی‌تر است که خود جزئی از آن به حساب می‌آید و گاهی شامل بعضی از جنبه‌های خاص است که در فرهنگ کلی‌تر

وجود ندارد و یا در سایر اعضای این جامعه خاص دیده نمی‌شود.

نظریه‌های مهم پیرامون خرده فرهنگ

یکی از نظریه‌های مهم در زمینه در زمینه خرده فرهنگ دهقانی، نظریه «راجرز»^{۱۹} است. بر اساس این نظریه، برنامه‌های دگرگونی اجتماعی در روستا اگر بر پایه شناخت ارزشها، وجهه نظرها و انگیزه‌های دهقانان استوار نباشد، شکست می‌خورد. لذا مجریان برنامه‌های توسعه روستایی باید ویژگیهای فرهنگی فرهنگی و جمعیتی مخاطبان و گیرندگان برنامه‌های خود را به دقت مدنظر داشته باشند. «راجرز» به ده عنصر اصلی خرده فرهنگی دهقانی اشاره کرده که عبارت‌اند از:

۱- عدم اعتماد در روابط شخصی

۲- فقدان نوآوری

۳- تقدیرگرایی

۴- پائین بودن سطح آرزوها و تمایلات

۵- عدم توانایی چشم‌پوشی از منافع آبی بخاطر منافع آبی

۶- کم‌اهمیت دادن به عامل زمان

۷- خانواده‌گرایی

۸- وابستگی به قدرت دولت

۹- محل‌گرایی

۱۰- فقدان همدلی.

لازم به ذکر است که انتقادهایی نیز بر این نظریه وارد شده است که پرداختن به آن مستلزم صرف زمان طولانی است. ولی یادآوری این نکته لازم است که ماهیت عناصر ده‌گانه «خرده فرهنگ دهقانی» که توسط راجرز بیان شده، به صورتی است که تشخیص داده‌های واقعی هر یک از این عناصر مشکل است. از همه مهمتر اینکه همه این عناصر به عنوان عوامل منفی و بازدارنده توسعه اقتصادی فرض شده‌اند. به این ترتیب این سؤال پیش می‌آید که آیا هیچ عنصر مثبتی در خرده فرهنگ دهقانی یافت نمی‌شود؟ مصطفی ازکیا (۱۳۶۴) نظریات راجرز را در زمینه

خرده فرهنگ دهقانی کاملاً صحیح نمی‌داند و در این باره می‌گوید: "در مورد فقدان نوآوری در میان دهقانان که در حال حاضر تقریباً توسط همه جامعه‌شناسان همانند یک حقیقت نیمه‌آشکار پذیرفته شده‌اند، غالباً نکاتی نادیده گرفته شده است. به عنوان مثال، در کشورهای در حال رشد و در میان بسیاری از کشاورزان، استفاده از نهاده‌ها و فن‌آوری نوین کشاورزی رایج است."^۱

همچنین در مورد سایر عناصر ده گانه خرده فرهنگ دهقان، انتقادهای و اشکالات دیگری نیز وجود دارد.

نگاهی اجمالی به وضعیت پراکندگی اقوام ساکن در ایران

وضعیت پراکندگی اقوام ساکن ایرانی در نقاط مختلف کشور بسیار پیچیده و جالب می‌باشد. مطالعه و بررسی خصوصیات و ویژگیهای اقوام ساکن در ایران از ضروریات و لازمه‌های طراحی و تدوین یک نظام ترویجی کارآمد می‌باشد که در گزارش نهایی این پروژه به تفصیل بدان پرداخته شده است و در این مقاله سعی می‌شود به طور اجمال مطالبی در زمینه اقوام اصلی ساکن در مناطق روستایی ایران آورده شود. بدیهی است که بررسی علل این پراکندگی، نیاز به یک مطالعه مردم‌شناختی - تاریخی بسیار گسترده دارد که در شرح وظایف این طرح پژوهشی نبوده است و ما نیز این بررسی را به فرصت دیگری موکول خواهیم کرد.

به عقیده صاحب‌نظران، مهمترین اقوام ساکن در ایران به هفت زبان صحبت می‌کنند (فارسی، کردی، بلوچی، آذری، ترکمنی، عربی و لری). البته گروههای اقلیت که دارای زبانهای ارمنی، تالشی، آشوری، سنگ‌سری، براهویی و... هستند نیز در برخی از نقاط کشور به طور پراکنده زندگی می‌کنند. در ادامه به مطالعه و معرفی اقوام اصلی ساکن در ایران پرداخته می‌شود:

۱- فارسیها یا پارسیان

این گروه هم از نظر وسعت اشغال خاک و هم از نظر تعداد، پرجمعیت‌ترین گروه قومی ساکن در

ایران به حساب می‌آیند. (بیش از ۵۰ درصد جمعیت کل کشور را تشکیل می‌دهند). این گروه عمدتاً در مناطق مرکزی، شرق و شمال شرقی ایران مستقر هستند.

۲- اقوام شمالی

مردم ساکن در این منطقه به طور کلی از اقوام زیر تشکیل شده‌اند:

الف - گیل: سرزمین گیلان مرکز باستانی اقوام و تیره‌های مختلفی است که یکی از این اقوام "گیل" نامیده می‌شود که سرزمینشان را هم گیلان می‌نامند. گویش گیلانیان امروز، "گیلکی" است که یکی از شعبه‌های زبان پهلوی است. یکی از گویشهای متداول فعلی در این منطقه "تالشی" است که مختص ساکنین غرب، شمال غرب و جنوب غربی گیلان است. این گویش مختص مردم کوهپایه است.

ب - طبری یا مازندرانی: که در کرانه دریای خزر در استان مازندران ساکن بوده (طبرستان قدیم) و گویش آنها نیز به همین نام خوانده می‌شود.

ج - گالشها: اقوامی هستند که اغلب به چوپانی می‌پردازند و بندرت در روستاهای ساحلی بسر می‌برند و محل اقامتشان بیشتر در ییلاق است. این گروه معمولاً زمین‌زراعتی ندارند و غالباً در جنگل سکونت دارند.

د - تاتی: در سواحل غربی دریای خزر و در سرزمین آذربایجان و همچنین در سایر نقاط کشور، مردمانی زندگی می‌کنند که زبانشان "تاتی" است. این اقوام در مناطقی مانند روستاهای رودبار، قزوین، هرزند، مرند و... پراکنده می‌باشند.

۳- ترکمنها (سواحل شرقی خزر)

اقوام ترکمن که در قرن سوم هجری قمری همراه با لشکرکشی شاه اسماعیل سامانی به ماوراءالنهر به دین اسلام گرویدند، در سواحل شرقی دریای خزر و بخشی از سرزمینهای کوهستانی جنوب و شمال غربی بجنورد (در استان خراسان) ساکن می‌باشند. مذهب این قوم عمدتاً

سنی حنفی است و به زبان ترکمنی صحبت می‌کنند. این زبان از شاخه‌های زبان ترکی و در گروه زبانهای آلتایی است که مربوط به ساکنان ترکمنستان چین می‌باشند.

در میان این اقوام، گروههای مشخصی مبتنی بر مشترکات خویشاوندی وجود دارد. ترکمن‌ها خود، از دیرباز این گروه‌ها را «خلق» نامیده‌اند. هر «خلق» به چند «طایفه» و هر «طایفه» به چند تیره تقسیم می‌گردد. بافت سنتی سلسله مراتب خویشاوندی ترکمن‌ها به شرح زیر است:

- ۱- خلق - ایل
- ۲- طایفه
- ۳- یوزلیق
- ۴- اولنلیق
- ۵- اوبه
- ۶- اوی

در این منطقه همچنین سه ایل «تکه»،

«گوکلان» و «بموت» بعنوان مهمترین ایلهای ترکمن ساکن در ایران شناخته شده‌اند. جمعیت ایلهای ترکمن ساکن در ایران حدود یک میلیون نفر ثبت شده است. از مهمترین کانونهای جمعیتی، ترکمن صحرا و گنبد کاووس است که شامل بخشهای مینودشت، رامیان، مراوه تپه، کلاله، داشلی برون و گوکلان می‌باشد. شیوه تولید درآمد و معیشت ترکمنها در درجه اول "رمة داری" (اسب، بز، گوسفند، شتر و گاو) است و زراعت (بوژه کشت گندم و جو و پنبه) در درجه دوم اهمیت قرار دارد.

۴- لرها

لرها یکی از بزرگترین گروههای قومی هستند که سابقه سکونتشان در ایران به چندین هزار سال قبل می‌رسد. این قوم از شعبه‌های متعددی تشکیل شده که در مناطق وسیعی از ایران پراکنده هستند و جمعیت آنها در حدود سه میلیون نفر برآورد شده است. واژه "لر" برای اولین بار در نوشته‌های بعضی از مورخان و جغرافیانگاران قرن چهارم هجری به کار رفته است، و از قرن هشتم به بعد، به طور گسترده مورخان چون حمدالله مستوفی، معین‌الدین نطنزی و دیگران

راجع به آنها بسیار نوشته‌اند.

عده‌ای وجه تسمیه لرها را از نام و نسب شخصی بنام لر دانسته‌اند. اکثر پژوهشگران و نویسندگان لرها را از اصل و تبار آریایی دانسته و ورود آنها را به این سرزمین، پیش از ورود اعراب، ترک و تاتار اعلام داشته‌اند.

محدوده گویش زبان لری، در حال حاضر منطقه وسیعی از ایران را دربرمی‌گیرد. این زبان را می‌توان به دو شعبه باختری و خاوری تقسیم نمود که مرز بین این دو، رودخانه «دز» است که لرستان و بختیاری را از هم جدا می‌کند.

مردم‌شناسان تمام سرزمین لر نشین در ایران را به دو بخش شرقی و غربی تقسیم کرده‌اند که بخش شرقی آن معادل «لر بزرگ» است که از شمال به رودخانه دز و از جنوب به بوشهر محدود است. استان چهارمحال بختیاری، بخشی از استان خوزستان و اصفهان، کهگیلویه و بویراحمد، ممسنی و بخشی از استان بوشهر محدوده زندگی اقوام لر بزرگ می‌باشد.

«لر کوچک» در واقع در غرب رودخانه دز قرار می‌گیرد که استانهای ایلام، لرستان و بخشهایی از استان همدان را دربرمی‌گیرد. در خارج از این محدوده وسیع نقاطی نیز هستند که طوایف لر در آنجا حضور دارند مانند شهرستانهای ورامین، قم، قزوین، رودبار، منجیل و کرمان.

۵ - بلوچها

منطقه بلوچستان با وسعت ۱۵۵ هزار کیلومتر مربع در جنوب شرقی ایران واقع شده است. سابقه فرهنگی این منطقه را می‌توان در کتیبه‌های داریوش هخامنشی در بیستون و همچنین در تخت جمشید مشاهده کرد. عده‌ای از مردم‌شناسان بلوچها را ساکنان گذشته ترکمنستان می‌دانند که به جنوب شرقی ایران مهاجرت کرده‌اند.

زبان بلوچی یکی از شعبه‌های زبان هند و ایرانی است که خود شاخه‌ای از زبان هند و اروپایی است. در واقع این زبان از زبانهای ایرانی شمال غربی محسوب می‌شود، اما در دوره‌های مختلف تاریخی، نشانه‌هایی از این گویش در مشرق ایران مشاهده شده است. در منطقه

بلوچستان امروزی زبان دیگری نیز رایج است که به زبان «براهویی» معروف است و ظاهراً ریشه هندی دارد.

تعداد کسانی که با این زبان صحبت می‌کنند در مقایسه با بلوچها بسیار کمتر است. این احتمال که هندوها هم به این منطقه مهاجرت کرده باشند با زبان براهویی بسیار زیاد است.

از ویژگیهای خاص منطقه سیستان و بلوچستان می‌توان به گرمی هوا، پراکندگی فراوان آبادیها، عدم رونق کشاورزی به علت وزش بادهای طولانی و ریگزار بودن اراضی زراعی و پرورش شتر و گوسفند به عنوان حرفه اصلی مردم اشاره کرد.

۶ - کردها

اقوام کرد در بخش عمده‌ای از مناطق غربی کشور ایران ساکن می‌باشند. این مناطق در حال حاضر از نظر تقسیمات سیاسی در پنج استان کشور (کردستان، کرمانشاه، ایلام، آذربایجان غربی و بخش کوچکی از استان همدان) قرار دارند. علاوه بر این استانها، در دیگر مناطق کشور نیز گروههای کرد زبان سکونت دارند.

درباره منشأ زبان کردی عقیده این است که این زبان یکی از زبانهای گروه هند و اروپایی است که چهار شعبه یا شاخه عمده دارد که عبارتند از:

- کرمانجی جنوب

- کرمانجی شمال

- کرمانشاهی

- اورامانی و گورانی

در مسناتق شمال غرب کشور و آذربایجان غربی، گویش اصلی مردم «کرمانج شمالی» است و شاخه «کرمانج جنوبی» توسط قسمت اعظم کردهای ایران و بین‌النهرین تکلم می‌شود و تقریباً زبان عمومی کردی به شمار می‌رود. اغلب عشایری که در ناحیه کرمانشاه زندگی می‌کنند، دارای گویش خاصی هستند که با گویشهای شمالی تفاوت دارد. این گویش شاخه کردی کرمانشاهی است. این زبان سابقه‌ای بس طولانی در منطقه دارد و از قرنهای پنجم و ششم

هجری در آثار ادبیات شفاهی و کتبی کردی (در ماخذ تاریخی) مشاهده می‌شود.

۷ - اقوام آذری

مقیاس پراکندگی اقوام آذری زبان در ایران نسبتاً زیاد است و زبان آذری بعد از زبان فارسی گسترده‌ترین زبان جمعیتی ایران به شمار می‌آید. این زبان که از شاخه زبانهای ایرانی - غربی است، در مناطق مختلف کشور با لهجه‌های مختلف و متفاوت تکلم می‌شود.

از نظر محل سکونت اقوام آذری لازم به ذکر است که تقریباً تمامی ساکنان استان آذربایجان شرقی و غربی، اردبیل و زنجان، آذری زبان هستند (به استثناء بخشی از آذربایجان غربی که کردنشین و ارمنی زبان می‌باشند). اقوام آذری همچنین در بخشی از استان همدان، قزوین، استان فارس (قشقایها)، شهرستانهای منجیل و دیگر نقاط کشور ساکن می‌باشند.

۸ - عرب زبانها

این گروه از ساکنان ایران، عمدتاً در جنوب غربی ایران، (خصوصاً در استان خوزستان) سکونت دارند. تعداد آنها کمتر از یک میلیون نفر می‌باشد. و اغلب بصورت قبیله‌ای زندگی می‌کنند. سابقه حضور این قوم در ایران بسیار زیاد است و به نظر می‌رسد که از زمانهای بسیار قدیم در این قسمت از سرزمین پهناور ایران سکونت داشته‌اند.

روش تحقیق

در این پژوهش با توجه به تنوع پدیده‌ها و عوامل مورد مطالعه و متغیرهای مرتبط با «خرده فرهنگ دهقانی» حتی الامکان سعی شده تا از روشهای معمول و متداول در مطالعات تجربی جامعه‌شناسی و خصوصاً مردم‌شناسی استفاده شود.

در این تحقیق با تاکید بر ژرفانگر بودن پژوهش، سعی شده با توجه به امکانات عمده روشهای جمع‌آوری اطلاعات، از روشهای مناظره، مصاحبه و مشاهده همراه با روش بررسی میدانی^{۲۰}

استفاده شود. البته از روشهای اسنادی نیز برای برخی از سنجشهای این پژوهش بهره گیری شده است.

علاوه بر این به جهت موضوع مورد مطالعه که نیاز فراوانی به شناخت زمینه‌های فرهنگی متعدد و مختلف دهقانان ساکن در ایران احساس می‌شد، طبیعتاً از دو روش پژوهش میدانی و کتابخانه‌ای استفاده کافی به عمل آمد که نتایج آن در فصول مختلف گزارش نهایی این پروژه آمده است.

۱ - جامعه آماری، نمونه‌گیری و روش تعیین حجم نمونه

جامعه آماری پروژه، جامعه دهقانی (روستایی) کشور است که به جهت بهره‌گیری از روشهای میدانی و پیمایشی^{۲۱} به طور مستقیم با آن رابطه برقرار شده و اطلاعات مورد نیاز از سرپرستان خانوارهای روستایی دریافت شد.

الف) نحوه انتخاب نمونه‌های جامعه آماری: آن گونه که قبلاً اشاره شد، مطالعه «خرده فرهنگ دهقانی» در کشوری مثل ایران به دلیل وسعت زیاد آن فقط از طریق نمونه‌گیری و رجوع به جامعه نمونه امکان‌پذیر است. بنابراین در این طرح برای دسترسی به اطلاعات مورد نیاز از طریق

آمارگیری نمونه‌ای که از معمولی‌ترین روشها می‌باشد و طی مراحل زیر، حجم واحدهای نمونه انتخاب شد.

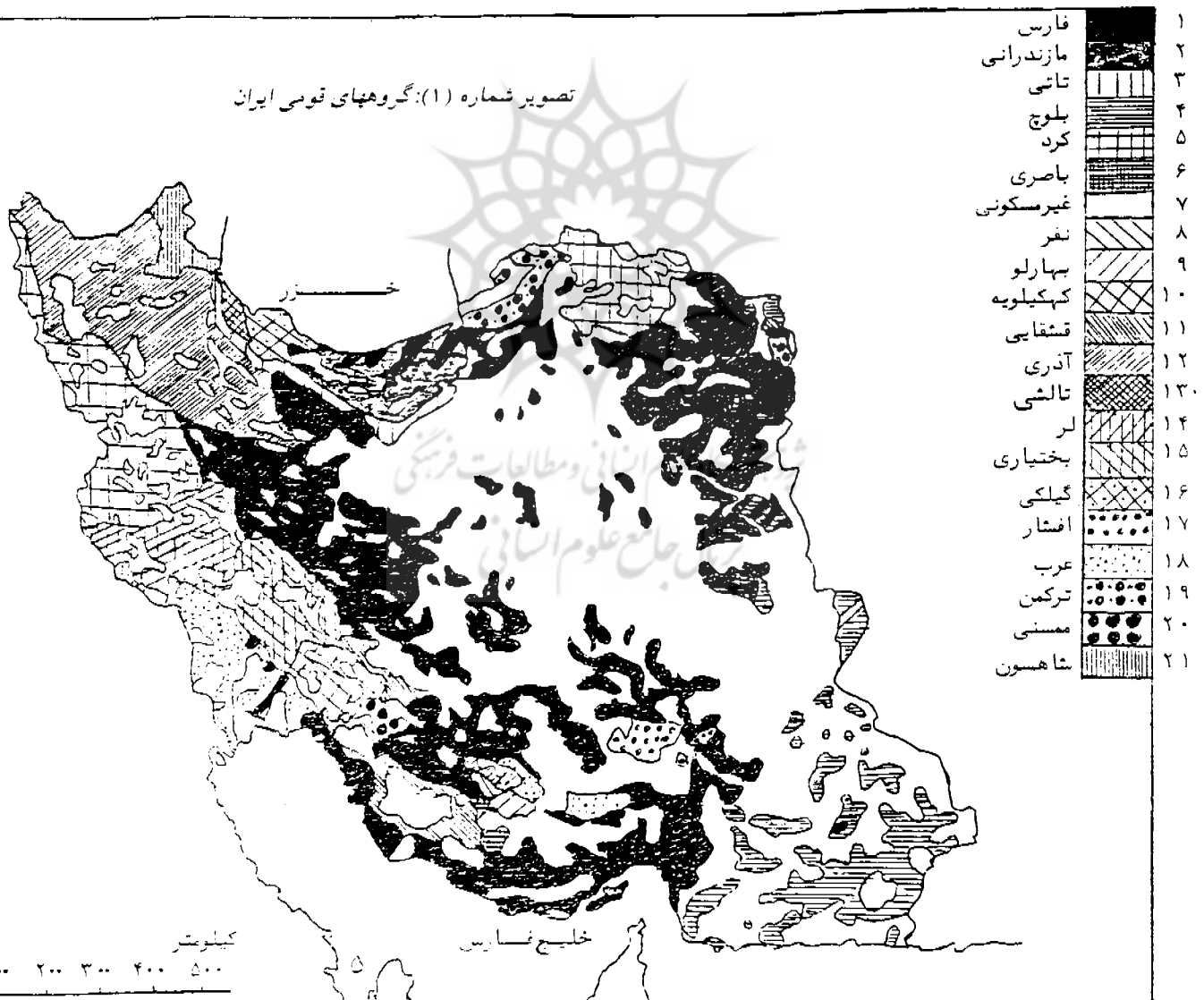
در مرحله اول، تعداد کلی آبادیهای دارای سکنه هر استان بر اساس لیستهای نتایج سرشماری عمومی کشاورزی ۱۳۶۷ شناسایی شدند. سپس با توجه به کیفیت مطالعه، روستاهای کشور بر اساس سه ویژگی عمده که در نتایج طرح مؤثر بودند، طبقه‌بندی گردیدند. این ویژگیها عبارت‌اند از:

۱- سطح زیرکشت

۲- درصد اراضی زیرکشت آبی

۳- تعداد واحد دامی در هر روستا

تصویر شماره (۱): گروهبندی قومی ایران



جوامع بسیاری هستند که به دلیل از خودبیگانگیها، تابع بی‌قید و شرط بینشها و آرمانهای وارداتی شده و در نتیجه نتوانسته‌اند حتی با گذشت چند دهه تحولی در کارکرد کشاورزی خود بوجود آورند. عمده مشکلات این جوامع در ارتباط با ترویج کشاورزی از مجرای عدم تطبیق نظام ترویج آنان با معیارها و ارزشهای پذیرفته شده و فعال جامعه پدید آمده که هریک راه خود را به دور از نظر دیگری، چنان رفته‌اند که ناخواسته بیگانگی با تمدن تولیدات کشاورزی را به جامعه القاء کرده‌اند.

نتیجه رسیدیم که آبادیهای کمتر از ۱۰ خانوار ساکن بسیار کوچک بوده و نمی‌توانند پاسخگوی وضعیت ترویجی در جامعه روستایی ایران باشند. به همین دلیل این نوع روستاها از مجموعه روستاهای هر استان حذف شدند و توزیع روستاهای بالای ۱۰ خانوار در استانهای مختلف کشور به تفکیک سه ویژگی فوق با تقاطع $(3 \times 3 \times 3)$ یعنی ۲۷ حالت، در جدولهای مختلف مشخص شدند. این جدولها نشان دادند که در برخی از استانها روستاها در تمام ۲۷ حالت فوق به طور یکسان توزیع نشده و در برخی از وضعیتها فراوانی روستاها خیلی زیاد و در مقابل، در برخی دیگر از وضعیتها اصلاً روستایی مشاهده نشده است که در نتیجه توزیع روستاهای آن استان به کمتر از ۲۷ حالت در نظر گرفته شده است.

در این بررسی، پس از توزیع روستاهای کشور بر اساس سه صفت و ۲۷ حالت تصمیم گرفته شد که در هر استان از هر حالت مشاهده شده یک روستا به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده با رعایت محل استقرار روستا انتخاب شود. در این مرحله با استفاده از جدول اعداد تصادفی برای هر طبقه (از طبقات ۲۷ گانه) یک عدد بین یک تا فراوانی مربوط به همان طبقه انتخاب شد و بر پایه اعداد تصادفی به دست آمده و به کمک رایانه مرکز آمار ایران (چون تمام اطلاعات در فایل‌های موجود در رایانه‌های این مرکز متمرکز بود) مشخصات جغرافیایی آبادیهای منتخب طبقات مختلف هر استان تعیین شد.

تعداد روستاهای انتخابی در این بررسی برای هر استان حداکثر ۲۷ روستا بوده است. ولی در استانهایی که توزیع روستاهای آن در تمام ۲۷ حالت انتخابی مشاهده نشد، تعداد روستاهای نمونه آن کمتر از ۲۷ بدست آمده است. بعنوان

مختلف کشور یکسان نیست و جمع کردن تعداد مربوطه به انواع دامهای کوچک و بزرگ کار مناسبی به نظر نمی‌رسید، لذا برای تبدیل انواع دام به یک واحد دامی، ضریبهای زیر مورد استفاده قرار گرفت:

گوسفند = ۱ واحد دامی

بز و بزغاله = 0.7 واحد دامی

گاو و گوساله = ۵ واحد دامی

گاو میش و بچه گاو میش = $8/8$ واحد دامی

شتر و بچه شتر = ۸ واحد دامی

و با ضرب کردن تعداد هریک از انواع دام خانوارهای بهره‌بردار در ضریب مربوطه و جمع کردن تمام حاصلضربها در یک آبادی، یک عدد به عنوان تعداد واحد دامی خانوارهای بهره‌بردار آبادی تعیین شد.

پس از تبدیل انواع دام آبادی به یک واحد دامی، آبادیهای مسکونی برحسب تعداد واحد دامی به سه طبقه به شرح زیر تقسیم شدند:

طبقه ۱- آبادیهای دارای کمتر از ۷۰۰ واحد دامی

طبقه ۲- آبادیهای دارای ۷۰۰ تا ۱۷۹۹ واحد دامی

طبقه ۳- آبادیهای دارای ۱۸۰۰ واحد دامی و بیشتر

همان طور که گفته شد، هر کدام از شاخصهای سطح زیر کشت، درصد اراضی زیر کشت آبی و تعداد واحد دامی به سه طبقه تقسیم شدند.

بنابراین، آبادیهای مسکونی هر استان با توجه به ویژگی فوق بطور توأم به ۲۷ $(3 \times 3 \times 3)$ طبقه تقسیم شدند. سپس جدولی با ۲۷ خانه تدوین گردید که هریک از خانه‌های آن یکی از طبقات ۲۷ گانه آبادیها را نشان می‌داد.

در این بررسی پس از مطالعات اولیه به این

پس برای هریک از سه ویژگی بالا سه حالت در نظر گرفته شد. این سه حالت عبارت‌اند از:

الف - سطح زیر کشت

۱- آبادیهای دارای کمتر از ۱۰۰ هکتار زیر کشت

۲- آبادیهای دارای ۱۰۰ تا ۵۰۰ هکتار زیر کشت

۳- آبادیهای دارای ۵۰۰ هکتار و بیشتر در مورد سطح زیر کشت، پس از تعیین

طبقه‌بندی فوق و توزیع روستاهای هر استان در این سه طبقه، این نتیجه حاصل شد که طبقه‌بندی یکسان برای تمام استانهای کشور مناسب نیست، چون سطح زیر کشت در استانهای مختلف از واریانس و پراکنندگی وسیعی برخوردار است. به همین دلیل برای استانهای مختلف طبقه‌بندی موردی نیز صورت گرفت که حاصل آن در جدولی منعکس گردید که مرز طبقات سه گانه سطح زیر کشت متعلق به خانوارهای بهره‌بردار آبادی در استانها را مشخص می‌نمود.

ب - درصد اراضی زیر کشت آبی

تمام آبادیهای مسکونی کشور از نظر درصد اراضی زیر کشت آبی در هر استان به سه طبقه به شرح زیر تقسیم شدند:

طبقه ۱- آبادیهایی که در آنها درصد اراضی زیر کشت آبی کمتر از ۳۰ درصد کل آن می‌باشد.

طبقه ۲- آبادیهایی که در آنها درصد اراضی زیر کشت آبی بین ۳۰ تا ۷۰ درصد کل آن می‌باشد.

طبقه ۳- آبادیهایی که در آنها درصد اراضی زیر کشت آبی بیش از ۷۰ درصد کل آن می‌باشد.

ج - تعداد واحد دامی خانوارهای بهره‌بردار آبادی با توجه به اینکه توزیع دام در استانهای

مثال روستاهای دارای ۱۰ خانوار و بیشتر در استان یزد که شامل ۴۴۹ روستا بود، فقط در ۱۲ وضعیت از ۲۷ وضعیت فوق توزیع شده‌اند. بنابراین، تعداد روستاهای نمونه در این استان برابر ۱۲ روستا بوده است. تعداد روستاهای انتخابی در هر استان به شرح جدول شماره (۱) می‌باشد.

از آنجا که در این پژوهش جامعه آماری خانوارهای روستایی بودند، لذا باید این جامعه محدود می‌شد.

نمونه‌گیری در این قسمت دو مرحله‌ای بوده است. بدین ترتیب که ابتدا تعدادی روستا به عنوان نمونه انتخاب شدند (در این قسمت تعداد روستاهای انتخابی همان روستاهای انتخاب شده در فوق می‌باشند). در مرحله دوم تعداد خانوارهای نمونه به روش زیر انتخاب شدند:

۱- دهاتی که تا ۱۰۰ خانوار ساکن دارند. در هر ده سه خانوار روستایی که:

- یک خانوار (دهقان) که پائین‌تر از عرف محل آب و زمین داشته باشد.

- یک خانوار (دهقان) متوسط‌الحال که معادل عرف محل آب و زمین داشته باشد.

- یک خانوار (دهقان) که بیش از عرف محل آب و زمین داشته باشد.

۲- روستاهایی که بیش از ۱۰۰ خانوار ساکن دارند. در هر ده پنج خانوار روستایی که:

- یک خانوار (دهقان) که پائین‌تر از عرف محل آب و زمین داشته باشد.

- سه خانوار (دهقان) متوسط‌الحال که معادل عرف محل آب و زمین داشته باشد.

- یک خانوار (دهقان) که بیش از عرف محل آب و زمین داشته باشد.

بدین ترتیب مجموع کل خانوارهای نمونه انتخاب شده در کل روستاهای نمونه، برابر با ۱۹۶۹ خانوار بود که سرپرست یا رئیس هر خانوار بعنوان فرد آماري جهت دریافت اطلاعات و پاسخ به پرسشنامه نظرسنجی در نظر گرفته شد.

ب- روش جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز روش جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز، با توجه

به خاص بودن موضوع مورد پژوهش و جامعه نمونه از یکطرف و تنوع متغیرهای مطرح شده - چه از نظر مقدار و چه از نظر انواع - که در فرضیه‌ها و نوع سؤالات و درجه آزادی در پاسخها و همچنین تعدد جامعه مورد مطالعه (جوامع فرهنگی) از طرف دیگر، کار دریافت پاسخها از کانالهای مختلفی که در بالا به آنها اشاره شد، به آسانی میسر نبود.

در آماده کردن پرسشنامه‌ها، سعی بر آن شده بود که عمده اطلاعات مورد نیاز در این پژوهش از طریق پرسش و پاسخ حضوری - کتبی، یعنی مصاحبه‌های آزاد و مشاهده مستقیم بدست آید. البته نوشته‌های مختلف که بصورت کتاب، گزارشهای تحقیقاتی، آمارنامه‌ها و... از زبانهای فارسی، انگلیسی و فرانسه که با موضوع مورد مطالعه، ارتباط داشته و زمینه‌های مشابه موضوعی نیز داشتند، از جمله راههای اخذ اطلاعات در این پژوهش بودند. طراحی سؤالات منطبق با اهداف طرح در «پرسشنامه نظرسنجی» (سرپرستان خانوار) در هشت قسمت و با مجموع ۱۰۵ سوال از انواع باز و بسته و نیمه‌باز، عمده اطلاعات را تأمین می‌کردند. بخشهای مختلف این پرسشنامه به ترتیب عبارت بودند از:

۱- سؤالات مربوط به «مفهوم و ابعاد مشارکت» با ۲۶ سوال که تعدادی از آنها کاملاً منطبق بر ساخت فرهنگی جامعه بود.

۲- پذیرش و نوآوری با ۵ سوال

۳- انگیزه پیشرفت و تمایلات با ۱۸ سوال

۴- سرنوشت‌گرایی با ۷ سوال

۵- اعتقادات، باورها، ارزشها، عادات و نگرشهای مرتبط با رفتار فرهنگی با ۱۷ سوال

۶- فعالیتهای سیاسی - اجتماعی با طرح یک سوال کلی که پاسخ به آن در شش قسمت پیش‌بینی شده بود.

۷- بیگانگی اجتماعی با ۵ سوال

۸- اهداف و وظایف و کارکردهای شورای اسلامی، مرکز خدمات کشاورزی و جهاد دهستان با ۲۶ سوال که تعدادی از سؤالات این بخش برای شناخت و پی بردن به ویژگیهای فرهنگی جامعه

مورد نظر مورد استفاده قرار گرفتند.

لازم به ذکر است که عمده سؤالهایی که در این پرسشنامه مطرح شده‌اند، مربوط به «پذیرش نوآوری»، «انگیزه پیشرفت»، «سرنوشت‌گرایی».

جدول شماره (۱): روستاهای نمونه بر حسب استان

استان	تعداد روستاهای نمونه
مرکزی	۲۶
تهران	۲۶
گیلان	۲۷
مازندران	۲۷
آذربایجان شرقی	۲۷
آذربایجان غربی	۲۶
کرمانشاه	۲۷
خوزستان	۲۷
فارس	۲۷
خراسان	۲۷
کرمان	۲۲
اصفهان	۲۵
کردستان	۲۶
سیستان و بلوچستان	۲۶
چهارمحال بختیاری	۲۵
لرستان	۲۷
همدان	۲۵
ایلام	۲۲
کهگیلویه و بویراحمد	۲۴
بوشهر	۲۳
زنجان	۲۷
سمنان	۲۳
هرمزگان	۲۴
یزد	۱۲
جمع	۵۹۸

«اعتقادات و باورها»، «ارزشها، عادات و نگرشهای مرتبط با رفتار فرهنگی»، بوده‌اند. سایر سؤالات برای بررسی «ابعاد مشارکت» روستاییان استفاده شده است.

ج - تست پیلوت (Pilot study)

پس از تنظیم پرسشنامه‌ها، برای اطمینان از مطلوب بودن آنها تصمیم گرفته شد که پرسشنامه‌ها قبل از نهایی کردن مورد آزمایش قرار گیرند تا احياناً اگر نقص یا نارسایی در برخی از سؤالات مشاهده می‌شود قبل از آغاز کار برطرف گردد. لذا گروهی برای انجام این منظور پرسشنامه‌های تنظیمی را در یکی از مناطق مورد مطالعه به آزمایش گذاشتند و پس از استخراج داده‌ها و بررسی نتایج و ارزیابی نقاط قوت و ضعف سؤالات تغییرات جزئی در نحوه طرح بعضی از سؤالات داده شد و پرسشنامه‌ها برای شروع کار در سطح کشور آماده شدند. قبل از شروع کار از کلیه پرسشگران که برای انجام کار پرشگری در نظر گرفته شده بودند، دعوت به عمل آمد که در کلاسهای توضیحی که در تهران به مدت یک هفته برگزار شد، شرکت نمایند تا مسئولین هر پروژه با شرکت در این کلاسها پرسشگران را در نحوه طرح سؤال و جمع‌آوری هرچه کاملتر پاسخها، راهنمایی کنند.

فرضیه‌های تحقیق

همان گونه که قبلاً ذکر شد، پرسشنامه این تحقیق بخشهای مختلفی را شامل می‌شود که مهمترین آنها عبارت‌اند از:

- ۱- مفهوم و ابعاد مشارکت روستاییان در جامعه آماری
- ۲- پذیرش و نوآوری
- ۳- انگیزه و تمایلات پیشرفت
- ۴- سرنوشت‌گرایی
- ۵- اعتقادات، باورها، ارزشها، عاداتها و نگرشهای مرتبط با رفتار فرهنگی
- ۶- فعالیتهای سیاسی اجتماعی روستاییان
- ۷- اهداف، وظایف و کارکردهای شورای اسلامی، مرکز خدمات کشاورزی و جهاد دهستان

در هر یک از ابعاد و بخشهای هفتگانه فوق، فرضیه‌هایی در این تحقیق ارائه و بر اساس آنها سؤالات متعددی در پرسشنامه نهایی گنجانده شد. به عنوان مثال، در بخش مربوط به پذیرش نوآوری فرضیه‌های زیر مطرح گردید:

۱- دهقانان معمولاً گرایش لازم و کافی جهت پذیرش عقاید تازه را ندارند. شیوه‌های تولیدی آنها، ادامه شیوه کار پدران آنهاست حتی نوآوریهای مربوط به تولید کشاورزی و بهداشت و شیوه‌های بازاریابی را باسادی نمی‌پذیرند.

۲- به دلیل سنتهای متداول انتقال نظام اجتماعی خانوادگی از نسلی به نسل دیگر در جوامع روستایی، فرض بر این است که روش زندگی نسل فعلی نسبت به نسل قبلی چندان تغییری نداشته است.

شیوه زندگی دهقانان، آنها را مجبور کرده که از پذیرش امور نو ظهور و نامطمئن پرهیز کنند.

۴- به دلیل محدود بودن عناصر تخصصی فرهنگ در جامعه روستایی، عناصر اختراعی و یا ابداعی فرهنگ در جوامع کشاورزی روستایی سنتی به ندرت به نمایش گذاشته می‌شود و نسل فعلی معمولاً روش پدران خود را ادامه می‌دهد.

۵- به دلیل استحکام و ریشه‌دار بودن فرهنگ زیربنایی و فرهنگ سنتی، روستاییان از پذیرفتن عناصر فرهنگی جدید رویگردان هستند.

منابع و مآخذ

- ۱- ازکیا، مصطفی (۱۳۶۴)، «مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی توسعه روستایی»، تهران: انتشارات اطلاعات.
- ۲- امان‌الهی بهاروند، سکندر (۱۳۶۰)، «کوچ‌نشینی در ایران»، تهران: انتشارات آگاه.
- ۳- امان‌الهی بهاروند، اسکندر (۱۳۷۰)، «قوم لر، پژوهشی درباره پیوستگی قومی و پراکندگی جغرافیایی لرها در ایران»، تهران: انتشارات آگاه.
- ۴- بیرو، آلن (۱۳۶۶)، «فرهنگ علوم اجتماعی»، (ترجمه باقر ساروخانی)، تهران: انتشارات کیهان.
- ۵- بیگدلی، محمدرضا (۱۳۶۹)، «ترکمنهای ایران»، تهران: انتشارات پاسارگاد.
- ۶- خسروی، خسرو (۱۳۷۳)، «جامعه‌شناسی ده

در ایران»، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۷- رابینو، ه. ل. (۱۳۵۰)، «ولایات دارالمعز و گیلان»، ترجمه جعفر خماسی‌زاده، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.

۸- راولینسون، هنری (۱۳۶۰)، «گذر از ذهاب به خوزستان»، ترجمه اسکندر امان‌الهی.

۹- روح‌الامینی، م (۱۳۶۵)، «زمینه فرهنگ‌شناسی»، تهران: انتشارات عطار.

۱۰- سمنندجی، میرزا شکرالله (۱۳۶۶)، «کردستان»، تهران: انتشارات امیرکبیر.

۱۱- شعاری‌نژاد، علی‌اکبر (۱۳۶۵)، «فرهنگ علوم رفتاری»، تهران: بینا.

۱۲- عدلی، علی (۱۳۶۹)، «تاتها و تالشان»، تهران: انتشارات ققنوس.

۱۳- فخرایی، ابراهیم (۱۳۴۰)، «گیلان در گذر زمان»، تهران: انتشارات جاویدان.

۱۴- گلی، امین (۱۳۶۶)، «سیری در تاریخ سیاسی - اجتماعی ترکمنها»، تهران: نشر علم.

۱۵- نائل خانلری، پرویز (۱۳۶۹)، «تاریخ زبان فارسی»، تهران: نشر نو.

۱۶- نصری، عبدالله (۱۳۵۸)، «خلق و خوی مردم بلوچ»، ناشر: مؤلف.

پی‌نوشتها:

- 1-Attitude
- 2- J. Meynard
- 3- G. W. Allport
- 4-Motive
- 5-Motivation
- 6-Achievement Motivation
- 7-Innovation
- 8-J. Schumpeter
- 9-Norm
- 10-Fatalisme
- 11-Level of living
- 12-Life Condition
- 13-Empathy
- 14-Localiteness
- 15-Sir Edvard. B. Tylor
- 16- Robertt Redfield
- 17- Subculture
- ۱۸- علی‌اکبر شعاری‌نژاد، (۱۳۶۵)، فرهنگ علوم رفتاری. تهران: بینا.
- 19- Rogers
- 20- Field methode
- 21- survey